



کازم جلالی: ایران و روسیه ستون‌های نظام بین‌الملل نوین در مقابل یکجانبه‌گرایی هستند

سفیر ایران در روسیه نوشت که «پایمردی بر پایه اشتراکات و اصالت تاریخی، دو کشور همسایه را به ستون‌های نظام بین‌الملل نوین در مقابل یکجانبه‌گرایی کنونی بدل کرده است».

به گزارش آران نیوز به نقل از تازه نیوز، «کازم جلالی» سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو طی یادداشتی در خبرگزاری تاس روسیه با عنوان «پانصد سالگی و دوستی»، به روابط دو کشور به ویژه در حوزه فرهنگی پرداخت.

متن کامل این یادداشت به این شرح است: اشتراکات فرهنگی و اصالت تاریخی به مثابه ستون فقرات روابط دو جانبه ایران و روسیه است، هرگاه دو کشور به این اشتراکات رجوع کردند، روابطی توأم با دوستی و حسن نیت شکل گرفت و هرگاه دو کشور از این اشتراکات مستحکم دور شدند و یا در سرپنجه بدبینیتی ها و جاه طلبی های رقبا گرفتار شدند، روابط دو کشور دچار آسیب شد.

یکی از گران بهاترین سرمایه های اجتماعی و انسانی، ارتباطات انسانی و اجتماعی است. در فرهنگ ما قدمت یک رابطه نشانه قدرت و قوت آن است، این روابط دیرینه مثل دُر قیمتی است. بر اساس اسناد موجود در مرکز اسناد وزارت امور خارجه، قدیمی ترین سند برجای مانده در روابط دو کشور مربوط به دوران شاه تهماسب اول صفوی است. این سند به سال ۱۵۴۸ مهور شده است. اما به روایت تاریخ دانان، قدمت روابط دوجانبه ایران و روسیه، از ۵۰۰ سال فراتر می رود. از نخستین طلیعه شکل گیری روابط تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دو کشور روابط پرفراز و نشیبی تجربه کرده اند. با این وجود می توان اذعان کرد که بیش از دو دهه زعامت دو رهبر خردمند ایران و روسیه، روابط دوجانبه دو کشور نضج و نسق یافت و با امضای معاهده مشارکت جامع راهبردی بین دو کشور رو به توسعه و تعمیق است.

میراث ادبی ایران و روسیه آوازه جهانی مرزهای جغرافیایی را درنودر دیده است

در یادداشت پیش رو روابط دو کشور از دریچه اشتراکات فرهنگی واکاوی شده است. اشتراکاتی که موجب استغنا، استقلال و خودباوری و خودباوری دو ملت تاریخی کهن شده است. این دو کشور در جهانی که حفظ اصالت و خودباوری مستلزم هزینه های هنگفت و جانفشانی است، برای حفظ استقلال خویش پایمردی کرده و خون دل ها خورده اند. همین پایمردی بر پایه اشتراکات و اصالت تاریخی است که دو کشور همسایه را به ستون های نظام بین الملل نوین در مقابل یکجانبه گرایی کنونی بدل کرده است.

همچنان که اشاره شد در جستجوی هزاران جلوه از اشتراکات دو کشور متمدن ایران و روسیه باید به فراسوی سیاست رفت و در ساحت فرهنگی و اعماق جامعه، آن ها را جست. یکی از هزاران جلوه از اشتراکات، میراث ادبی دو کشور است که آوازه جهانی آن ها مرزهای جغرافیایی را درنودر دیده است. ایرانیان ادب دوست از آنجا که خود وارث میراث ادبی و هنری گران سنگی هستند، به ادبیات سایر کشورها از جمله ادبیات و هنر روسیه نیز علاقه دارند. امروز ادبیات روسیه در ایران به صورت مستقیم از زبان روسی به فارسی ترجمه شده و از آثار ادبی پرتعداد در ایران است؛ «جنگ و صلح» و «آناکارنینا» اثر لئو تولستوی، «برادران کارامازوف» و «جنایات و مکافات» اثر فئودور داستایوفسکی، «دکتر ژبواگو» اثر بوریس پاسترناک و نمایشنامه ها و مجموعه داستان های آنتوان چخوف از پر فروش ترین آثار ادبی در بازار کتاب ایران هستند.

حکایت معروف «عروس سرخ» حکیم نظامی، شاعر ایرانی قرن دوازدهم میلادی، داستان دل باختن یکی از شاهان ایرانی به شاهدخت روسی است. صاحب نظران می گویند این اثر منبع الهام «برتولت برشت»، نمایشنامه نویس مشهور آلمانی بوده است؛ فرض کنید اگر حکیم نظامی این داستان را داستان سرایی نکرده بود؛ برتولت برشت باید سراغ سرچشمه دیگری برای الهام گرفتن می رفت. صاحب نظران ادبی شاهنامه فردوسی را شناسنامه ایران فرهنگی خوانده اند، شاهنامه چاپ مسکو معروف ترین پیرایش شاهنامه است و تقریباً تمام شاهنامه های موجود در بازار بر اساس این چاپ است. این نسخه توسط تعدادی از دانشمندان بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه در ۹ جلد منتشر شده است. همچنین ادب دوستان روسیه، حکیم خیام را به خوبی می شناسند و شعرهای او

را خوانده اند.

آنچه ادبیات ایران و روسیه را پرترفدار ساخته، عشق، نجابت و خداباوری است

آنچه ادبیات ایران و روسیه را در جهان پرترفدار ساخته، عشق، نجابت و خداباوری است. هیچ صفحه ای و سخنی در ادبیات ایران یافت نمی شود که در آن خدانا باوری، پوچ گرایی و ناامیدی از زندگی استشمام شود. فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، خیام و هزاران مفاخر ادبی ایران در حین توصیه برای تلاش بر مبنای خرد و توان انسانی در هنگامه تنگدستی و رنج، مخاطبان خویش را به عشق، امید، اخلاق و توکل به خدای مهربان فرا می خوانند. رمان ها و اشعار ادبیات مشهور روسیه نیز چنین دارای چنین صفاتی هستند. تولستوی و داستایوفسکی، در زمانه بلوای ایدئولوژی های پرآشوب قرن ۱۹ که برخی از انسان ها را از سرچشمه فیاض دور ساخت، مخاطبان خود را به عشق، صداقت و خداباوری در میانه رنج ها فرا خواندند. پایان رمان آناکارینا عشق است. این عشق در باور دوباره یک روشنفکر دهقان زاده به خدا و دلباختگی اش به یک دختر شهری مجسم شده است. در برادران کارامازوف نیز عشق و نجابت در سیمای جوان کشیش ترسیم شده که در کانون یک خانواده پرآشوب بالیده است.

پرداختن به همه این اشتراکات در این مقال نمی گنجد؛ برای شناخت دقیق و متقابل مردم دو کشور باید موسیقی اصیل و فاخر دو کشور را با گوش جان شنید، با چشمان هنری به میراث هنری و معماری دو کشور خیره شد. هنوز این اشتراکات به درستی واکاوی نشده است. سیاستمداران توافقنامه ها را امضا می کنند و پس از آن باید روابط فرهنگی، بازرگانی و عمومی و سایر ساحت های اجتماعی دو کشور جریان پیدا کند. پس از امضای توافقنامه شهروندان دو کشور بایست روابط را از نو بنویسند.

باید برای توسعه و تعمیق روابط ایران و روسیه کوشید

سال ۱۴۰۳ شمسی در ایران (مصادف با سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ میلادی در روسیه) که معاهده مشارکت راهبردی امضا شد، نقطه عطفی در روابط دو کشور بود. چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی که ایران را به خودباوری و استقلال رهنمون ساخت، شاهد توسعه روابط بین دو کشور در تاریخ روابط ۵۰۰ ساله هستیم. همچنان که اشاره شد، روابط هر چه کهنه تر شود، قیمتی تر می شود، بنابراین باید این روابط دیرینه دو کشور را ارج نهاد و برای توسعه و تعمیق آن کوشید. اگر دو کشور بر پایه این اشتراکات، برای درک بهتر مردمان دو کشور از یکدیگر و با هدف شناخت متقابل کار کنند، نتیجه بیشتری از این روابط خواهند گرفت.